



شماره پنجاه و هفتم  
دی ۱۳۹۵



## سر آغاز

تأمین امنیت ملی مستلزم شناخت همه‌جانبه و مستمر رویدادها، مسائل و عوامل مؤثر در آن است که پایه و اساس تصمیم‌گیری درست و راهبرد مقابله با چالش‌ها و تهدیدات ملی به شمار می‌آید. پژوهشکده مطالعات راهبردی در راستای فلسفه وجودی خود و تلاش برای کمک به فهم و حفظ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مصمم است رویدادها، مسائل و تحولات مؤثر بر امنیت ملی ایران را در سطوح گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی و آن را به صورت ماهانه در قالب محصولی با عنوان «ماهنگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی» به مخاطبین و علاقمندان این حوزه عرضه نماید. پژوهشکده مطالعات راهبردی امیدوار است انتشار این محصول در انباشت اطلاعات، شناخت عمیق تحولات، شکل‌دادن به اجماع نخبگان و راهنمایی به تصمیم‌گیرندگان و در نهایت، تأمین امنیت ملی مفید و مؤثر باشد.

ماهنگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی پس از سه سال انتشار توانسته جایگاه درخور توجهی در میان مخاطبان خود پیدا کند و در این میان انتقادات، پیشنهادات و نظرات کارشناسان و مخاطبان، نقش مؤثری در بهبود کیفیت و روند رو به رشد آن داشته است.

مهم‌ترین وظیفه رئیس جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پاسداری از امنیت و منافع ملی است. نظر به پیشنهاد مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری برای ارائه ماهانه تحلیل‌های کارشناسی از سوی پژوهشکده مطالعات راهبردی به رئیس جمهور محترم درباره مهم‌ترین رخدادهای کشور، چکیده‌ای اجرایی از این تحلیل‌ها که عصاره گزارش‌های منتشره در ماهنگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی است، برای ملاحظه ایشان تهیه شده است. پژوهشکده مطالعات راهبردی امیدوار است این مجموعه بتواند در انعکاس رخدادهای و انتقال نظرات کارشناسان به رئیس جمهور محترم مفید باشد.

## فهرست

- نگاهی به تحولات شاخص‌های امنیت انسانی
- ارزیابی مدیریت رویداد تصادف قطار در سمنان
- تقابل نهادهای حاکمیتی و پیامدهای آن بر امنیت ملی
- فساد نفتی: بایسته‌های حقوقی و پیامدهای اجتماعی
- تمدید «قانون تحریم ایران» و نسبت آن با تعهدات برجام
- توافق اوپک برای کاهش تولید نفت: دستاوردها و ابهامات
- راهبرد پساب‌گزینی انگلیس و پیامدهای آن برای منطقه و ایران
- ترکیه: تحولات شتابان و چشم‌انداز آینده
- تحولات سوریه و اقدامات داعش
- روندها و رخدادهای سیاسی مؤثر در بحران یمن
- چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا

## نگاهی به تحولات شاخص‌های

### امنیت انسانی

بر اساس تازه‌ترین آمار سازمان پزشکی قانونی، رقم کشته‌های تصادفات ترافیکی در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۵ به ۱۰۲۵۷ رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته (۱۰۵۴۲ نفر) ۲/۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. البته از سوی دیگر، میزان مصدومین در این مدت حدود ۲۱۰ هزار نفر بوده است که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته (۱۹۵ هزار نفر) حدود ۷/۴ درصد رشد داشته است، که بیانگر کاهش تصادفات منجر به فوت و افزایش تصادفات منجر به مصدومیت است.

تداوم عدم رعایت استانداردها و دستورالعمل‌های ایمنی نشانه‌ای تلخ از سطح پایین امنیت شهروندان در زندگی روزمره است. زخمی‌شدن تعدادی دانش‌آموز در میدان تیر بجنورد (فروردین ۱۳۹۵)؛ فرو ریختن پل تازه‌ساز در دزفول در اثر بارندگی (اردیبهشت ۱۳۹۵) در حالیکه در نزدیکی آن پل ۱۷۰۰ ساله‌ای که از زمان ساسانیان باقی مانده است آسیبی ندید؛ قطعه‌قطعه شدن بدن یک دختر بچه در پمپ سنگین حوضچه‌ای در بوستان کوهسار تهران (خرداد ۱۳۹۵)؛ موارد متعدد نشت آب و ایجاد خسارت در تأسیسات مهم شهری نظیر تونل توحید یا برج میدان آزادی تهران؛ ریزش تأسیسات مرتبط با تونل مترو در محله شهران تهران و انفجار و آتش‌سوزی متعاقب آن به همراه طولانی‌بودن زمان قطع فلکه گاز منطقه (شهریور ۱۳۹۵)؛ چندین مورد ریزش کارگاه مترو و عدم رعایت استانداردهای ایمنی در مواردی نظیر آسانسورها (که شامل بسیاری از ادارات و سازمان‌های دولتی، من جمله آسانسور خود سازمان ملی استاندارد نیز شد) از جمله مواردی است که جان شهروندان را به صورت روزانه در معرض خطر قرار می‌دهد.

ایران هنوز جزو کشورهایی به‌شمار می‌رود که از نظر رانندگی خطرناک محسوب می‌شوند و با نگاهی به آمار کشته‌های حوادث رانندگی در هفت‌ماهه گذشته نیز می‌توان دریافت که در همین ماه‌های گذشته از سال، به طور متوسط هر ساعت دو نفر ایرانی جان خود را در تصادفات رانندگی از دست داده‌اند.

ثبت روزانه بیش از ۵۳۰۰ مورد جرمه رانندگی در تهران، نشانگر میزان بسیار بالای آن در کشور است. از همین روست که حوادث رانندگی در حال حاضر، و پس از سکته قلبی و سکته مغزی، رتبه سوم را در میان عوامل مرگ و میر ایرانیان به خود اختصاص داده است.

تخلفات منجر به فوت (۱۰ نفر در هر روز) و نیز آلودگی ناشی از سوخت موتورسیکلت‌ها (حدود ۸ برابر یک خودرو) از جمله معضلات مرتبط با امنیت در حوزه حمل و نقل است.

بیماری‌های حاصل از آلودگی‌های محیطی از دیگر عوامل تهدیدکننده امنیت انسانی در کشور به حساب می‌آید. در حال حاضر، از هر هفت مرگ، یک مورد با آلودگی هوا در ارتباط است.

با اینکه از سال ۱۳۹۲ به این سو، مرگ به علت آلودگی هوا در افراد بالای ۳۰ سال روند کاهشی داشته است، اما برخی متخصصان بیماری‌های ریوی از ابتدای برخی تهرانی‌ها به «سیاه‌ششی» خبر می‌دهند که عموماً مختص کارگران معدن است. خسارت ناشی از آلودگی هوا نیز سالانه ۲۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود.



## ارزیابی مدیریت رویداد تصادف

### قطار در سمنان

صبح روز جمعه پنجم آذرماه ۱۳۹۵، دو دستگاه قطار مسافربری در ایستگاه هفت خوان بین دامغان و سمنان با هم برخورد کردند و آتش گرفتند که در نتیجه آن ۴۵ نفر کشته و ۱۰۳ نفر زخمی شدند. نوشتار حاضر به ارزیابی نحوه مدیریت این حادثه از منظر معیارهای حرفه‌ای و استانداردهای مطالعات ایمنی عمومی می‌پردازد.

✓ ایمنی عمومی به معنای تأمین و حفاظت از فضاهای عمومی و همچنین، زیرساخت‌های حیاتی زندگی عمومی جامعه مثل زیرساخت عمومی حمل و نقل است. تأمین ایمنی عمومی جامعه ملی متضمن سه اصل ساختاری است که عبارتند از اصل هماهنگی (هماهنگی میان‌سازمانی و میان سطوح مختلف کشوری و لشکری که قاعدتاً شورای امنیت کشور یا به اختصار «شاک» متولی آن است)، اصل تمرکز (در سطح مدیریت و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات) و مدیریت رویداد به جای مدیریت بحران.

✓ مدیریت رویداد به معنای آن است که اولاً علاوه بر خود بحران، پیامدهای بحران نیز مدیریت شوند و ثانیاً پیش‌گیری از بحران به همان میزان مدیریت بحران مورد اهتمام قرار داشته باشد، زیرا آنچه غالباً در سوانح عمومی و در حوزه امنیت داخلی کشور، در معرض آسیب قرار دارد، روحیه ملی جامعه است. روحیه ملی نیز عبارت است از اعتماد و اطمینان عمومی به نهادهای حکومتی و شیوه زندگی جمعی جامعه.

✓ بسیاری از نواقص و عواملی که باعث خطای انسانی یا حادثه در سیستم‌های پیشرفته می‌شوند، ریشه در فرهنگ ایمنی سیستم دارند. فرهنگ ایمنی سنگ بنا و شالوده اصلی اقدامات ایمن‌سازی و پیش‌گیرانه در هر نوع سیستم است. ترویج و پرورش این فرهنگ در حیطه وظایف مدیران است و تأثیرات آن در تمام سیستم حمل و نقل گسترش می‌یابد. بنابراین، فرهنگ ایمنی ضعیف باعث از بین رفتن لایه‌های حفاظتی سیستم شده و بر تمام اجزای سیستم تأثیر می‌گذارد.

✓ یکی از اصول اولیه در مدیریت بحران سوانح ملی، توجه به حیاتی بودن زمان به ویژه در رسیدگی به آسیب‌دیدگان است. چنانچه در ساعات طلایی پس از وقوع سانحه، امدادگران بتوانند به نجات آسیب‌دیدگان پردازند، از میزان تلفات و خسارات سانحه به شدت کاسته می‌شود و در غیر این صورت، ابعاد فاجعه گسترش خواهد یافت. این ویژگی، یکی از مهم‌ترین مسائل رویداد تصادف قطار در سمنان نیز بوده است.

✓ دستور مقامات عالی اجرایی و قضایی در پیدا کردن مقصران و برخورد قضایی با آنها را می‌توان افتادن در نوعی روال و فرایند فراقانونی و غیرحرفه‌ای دانست که آسیب آن کم نیست. مناسب‌تر آن بود که مطابق قانون، کمیسیون سوانح ملی کشور تشکیل و به بررسی واقعه می‌پرداخت و سپس، بر اساس گزارش این کمیته مراجع قضایی و اجرایی تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کردند.

✓ بیانیه‌ها و عذرخواهی وزیر محترم راه و شهرسازی و به ویژه استعفای مدیر عامل راه آهن کشور، بسیار کلیدی و مهم بود و می‌تواند سرمشق مناسب و درستی از مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای در راستای احیای سرمایه اجتماعی در بعد ملی به شمار آید که شایسته تقدیر است. در عین حال، بخشی از احیای سرمایه اجتماعی در این حوزه مربوط به مدیریت رسانه‌ای افکار عمومی است که با توجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد رسانه ملی کارنامه مناسبی در این مورد نداشته است.



## تقابل نهادهای حاکمیتی و پیامدهای آن بر امنیت ملی

تقابل میان نهادهای حاکمیتی و قوای سه گانه یکی از پدیده‌هایی است که در چندسال اخیر بازتاب‌های گسترده‌ای در سطح جامعه داشته است. اگرچه اختلاف نظرها میان نهادهای حاکمیتی امری طبیعی است و احتمال وقوع آن در تمامی انواع حکومت‌ها وجود دارد اما تلاش آگاهانه برای کشاندن آن‌ها به عرصه عمومی، حاوی پیامدهایی است که دامنه آن عرصه امنیت ملی را نیز دربرمی‌گیرد.

- ✓ کنش‌های تقابل‌گونه، در مقاطعی چنان با گرایش‌های جناحی و منافع سیاسی و رقابتی آمیخته می‌شود که گروه‌های مخالف نظام را به سمت استراتژی‌های عبور از شکاف سوق می‌دهد.
- ✓ تقابل قوای حاکمیتی هم بر ثبات سازمانی دولت، هم بر عملکرد سیستم حکومتی و هم بر مشروعیت سیاسی سیستم تأثیر می‌گذارد.
- ✓ این تقابل به جامعه این حس را القا می‌کند که نخبگان سیاسی در حال جنگ قدرت با یکدیگرند و منابع قدرت و ثروت را به جای اختصاص به رفع مشکلات جامعه، صرف نبرد درون حاکمیتی خود می‌کنند. بازخورد طبیعی این تلقی در سطح جامعه، کاهش مشروعیت نظام سیاسی و بروز بی‌اعتمادی به نخبگان و سیستم سیاسی است.
- ✓ همان‌گونه که سوءاستفاده اقتصادی از موقعیت نهادی، نهاد حاکمیتی مورد سوءاستفاده قرار گرفته را در نزد افکار عمومی بی‌اعتبار می‌سازد، بهره‌گیری سیاسی از این نهادها نیز آثار نامطلوب خود را بر جای خواهد گذاشت، چنان‌که استفاده از ادبیات دور از عرف نیز از وزن موقعیت نهادی گوینده خواهد کاست.
- ✓ ترجمه تقابل‌های درون ساختار حاکمیت برای سرمایه‌های اقتصادی، عدم ثبات، استعداد تنش و ریسک‌پذیری بالاست. اهمیت بیشتر این موضوع هنگامی دریافته می‌شود که از قابلیت انتشار تهدیدهای پیش‌روی امنیت اقتصادی به سایر حوزه‌های امنیتی، یعنی حوزه‌های نظامی، سیاسی، زیست‌محیطی و اجتماعی آگاهی داشته باشیم.
- ✓ آشکارشدن واقعیت‌های پنهان سیاسی و اقتصادی در نتیجه رویارویی نخبگان یا نهادهای حکومتی با یکدیگر، نشان‌دهنده وجود یک کاستی اساسی مرتبط با امنیت ملی، یعنی فقدان جریان آزاد اطلاعات است.
- ✓ در جوامعی که از یک فرهنگ سیاسی چندپاره برخوردارند، نخبگان سیاسی تلاش می‌کنند تا از طریق مانور در فضای متنوع سیاسی، از پشتیبانی بخش‌های خاصی از جامعه بهره‌جویند. این امر، نیازمند تغییر احتمالی در سیاست‌ها به منظور تطبیق با خواسته‌های گروه‌های اجتماعی هدف است و نظم سیاسی و اقتصادی مورد نظر نخبگان را دچار آشفستگی می‌سازد و درجاتی از بی‌ثباتی را به فضای سیاسی تحمیل می‌کند.
- ✓ قطبی‌شدگی حاصل از این مانورهای سیاسی نیز آثار خود را در عرصه امنیت ملی بر جای خواهد گذاشت. قطبی‌شدگی جامعه، گفتمان‌های متضادی را در فضای اجتماعی مستقر می‌کند که بر دال‌های متعالی متنافری استوارند.
- ✓ با گسیخته‌شدن انسجام اجتماعی در اثر صرف‌آرایی جامعه بر مواضع قطبی‌شده، حکومت ناگزیر از اتکای به قدرت برای غلبه بر این قطبی‌شدگی و آشفستگی‌های ناشی از آن است و از میان رفتن آزادی‌های سیاسی و گرایش هرچه بیشتر حکومت به اقتدارگرایی نتیجه محتمل آن خواهد بود.
- ✓ برای جلوگیری از وقوع پدیده ویران‌ساز تقابل نهادی بر دو راهکار اساسی می‌توان پای فشرد؛ اول، سرلوحه قراردادن منافع ملی به عنوان چراغ راهنمای حرکت سیاسی و دوم، تقویت نهادهای نظارتی جامعه مدنی و گسترش جریان آزاد اطلاعات.



## فساد نفتی: بایسته‌های حقوقی و پیامدهای اجتماعی

رسیدگی به پرونده فساد نفتی از مهر ۱۳۹۴ آغازید و بخشی از آن که درباره متهم اصلی پرونده یعنی بابک زنجانی است در آذر ۱۳۹۵ به فرجام رسید. در فرآیند رسیدگی آغازین، دادگاه انقلاب تهران، برای متهم اصلی به اتهام افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی، کیفر اعدام و برگرداندن پول فروش نفت را گزید که همین ضمانت اجرا در دیوان عالی کشور تأیید شد.

- ✓ زنجانی و چند تن دیگر هنگامی به اتهام افساد فی الارض دستگیر می‌شوند که هنوز تحریم بین‌المللی بر ضد نفت ایران برقرار بود و بازگرداندن این اموال از سوی وی که در بند بود، این پیام را داشت که دستگاه قضایی در پی عدالت، وزارت نفت به دنبال پول و شهروندان نیز در پی یافتن حقیقت رخداد بوده‌اند؛ سه رویکردی که در رویارویی با هم بوده و کمتر در کنار هم در این پرونده بررسی و ارزیابی شده‌اند.
- ✓ دولت و به ویژه وزارت نفت نباید بیش از اندازه به پرونده کیفری بر ضد بابک زنجانی دلخوش باشد؛ چون فرجام چنین پرونده‌ای در پایان، اجرای کیفر یا عدالت است و برای وزارت، سیاست مناسبی برای بازگرداندن مال نیست؛ افزون بر این وزارتخانه باید از راه‌های دیگر مانند پاسخگو کردن مقام‌های نفتی پیشین، رایزنی با کشورها یا شرکت‌هایی که پول نفت همچنان در دست آنها است و گذشت در پرونده بابک زنجانی، زمینه برگشت پول را فراهم کند.
- ✓ هر چند که در افساد فی الارض، گذشت جایگاهی ندارد ولی چون پایه بنیادین پرونده بر بدهی بوده است تا یک رفتار جنایتکارانه، دستگاه قضایی نیز نشان داده است که در اصل بدهی محکوم را در پرونده در نگاه داشته‌اند تا سرزنش‌پذیری و بدبودن رفتارهای غیر قانونی وی را؛ از این رو برای دستگاه قضایی نیز این فرصت پیش می‌آید که طبق قانون اخلالگران در نظام اقتصادی برای یک مفسد اقتصادی که در کنار دیگر مفسدان، به نام خدمت به کشور پولی از کشور را برداشت کرده است؛ دست کم قصد رویارویی با نظام یا علم به مؤثر بودن آن را احراز نکند و به عنوان یک مفسد اقتصادی عادی، برای وی حبس از پنج تا بیست سال تعیین کند.
- ✓ رأی و تصمیم مناسب در پرونده بابک زنجانی می‌تواند عدالت کیفری با منطق در دستگاه قضایی را نمود دهد؛ نیز با زمینه‌سازی برای بازگرداندن مال و همکاری مؤثر محکوم دولت را خوشنود کند و هم باور شهروندان را در حذف‌نشدن ناگهانی یک محکوم و گرفتار شدن گام به گام کسان اصلی در فساد نفتی، زمینه‌ساز شود.
- ✓ گوشه سوم پرونده یعنی شهروندان، به طور فراگیر، محوریت بابک زنجانی و اعدام وی برای فسادهای بسیار کلان دوران تحریم‌های بین‌المللی را، راهکاری برای پیکار با فساد نمی‌دانند.

## تمدید «قانون تحریم ایران» و نسبت آن با تعهدات برجام

تمدید «قانون تحریم ایران» توسط کنگره آمریکا، به بحث‌های گسترده‌ای درباره نسبت این اقدام با تعهدات این کشور در «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) دامن زده است. کنگره آمریکا با اجماع آراء اقدام به تمدید این قانون کرد و بدون امضای رئیس جمهور، برای ده سال دیگر این قانون تمدید شد. تمدید «قانون تحریم ایران» توسط کنگره آمریکا موجی از واکنش‌ها را به‌ویژه در ایران به‌دنبال داشته است.

- ✓ استدلال کنگره برای تمدید قانون داماتو این است که باید زیرساخت‌های تحریم علیه ایران حفظ شوند، تا در صورت نقض برجام توسط این کشور، تحریم‌های تعلیق‌شده به صورت سریع دوباره برقرار شوند.
- ✓ در شرایطی که منافع ملی آمریکا ایجاب کند، رئیس جمهور این کشور می‌تواند با اطلاع کنگره، اعمال یا اجرای تحریم‌های قانون داماتو را به تأخیر اندازد یا به‌طور موقت از اجرای آن‌ها چشم‌پوشی کند.
- ✓ در ابتدا هیچ کشوری حتی نزدیک‌ترین متحدان آمریکا نیز از آن پیروی نکردند. اتحادیه اروپا با وضع مقرراتی در راستای مسدودسازی قانون داماتو و هلمز-برتون اقدام نمود؛ با وجود این با افزایش تنش‌های هسته‌ای میان ایران و آمریکا بعد از ۲۰۰۵ و نزدیک شدن دیدگاه‌های اروپا، چین و روسیه به واشینگتن در برخورد با ایران، فضا برای نه تنها اجرای این قانون، بلکه تشدید گستره و شدت آن فراهم شد.
- ✓ تلاش جمهوری خواهان کنگره بر این بود که تحریم‌های جدیدی به قانون تحریم‌های ایران اضافه شود، که با مخالفت دموکرات‌ها هیچ تحریم جدیدی وضع نشد و این قانون به همان شکل سابق تمدید شد.
- ✓ امضانشدن قانون داماتو توسط رئیس جمهوری آمریکا و اعلام وزارت خارجه این کشور مبنی بر اینکه اجرای بندهای مرتبط با موضوع هسته‌ای این قانون براساس برجام همچنان تعلیق خواهد شد می‌تواند به معنای آن باشد که اراده دولت آمریکا در اجرای برجام با اقدامات کنگره متفاوت است.
- ✓ در مورد تمدید «قانون تحریم ایران» و نسبت آن با تعهدات برجام، باید دو نکته را در نظر گرفت. اولاً: تحریم‌های کنگره علیه ایران در بحث هسته‌ای تعلیق شده‌اند و تنها ۸ سال پس از زمان پذیرش برجام، رئیس جمهور آمریکا تلاش خواهد کرد از طریق کنگره آن‌ها را لغو کند؛ ثانیاً: بخش‌هایی از این تحریم‌ها که مربوط به ادعاها و اتهام‌های غیرهسته‌ای آمریکایی‌ها علیه کشورمان است، اساساً نه اجرای شان تعلیق شده و نه قرار است بر اساس برجام لغو شوند.
- ✓ این استدلال که تمدید ده ساله قانون تحریم‌های ایران نقض برجام است، بر اساس مفاد برجام، چندان قابل ارجاع و استناد نیست. از این رو موضوع تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه کشورمان را باید بحثی جداگانه دانست؛ چون در مذاکرات هسته‌ای تمرکز صرفاً بر مسئله هسته‌ای بود و مذاکره‌کنندگان اجازه مذاکره درباره موضوعات دیگر را نداشتند.
- ✓ اجماع نسبی که در کشور درباره تمدید «قانون تحریم ایران» شکل گرفت، می‌تواند هشدار به طرف مقابل و به‌ویژه دولت آینده آمریکا باشد؛ مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران به‌صورت یکپارچه در درون، با نقض برجام برخورد خواهد کرد و این گونه نیست که این توافق بتواند حربه فشاری بر کشورمان باشد.
- ✓ بهتر است وقتی ظن نقض برجام توسط طرف مقابل وجود دارد، مواضع مقامات کشورمان دقیق‌تر و بر مبنای تعهدات برجام و با استناد به مفاد این توافق باشد. در این صورت، مواضع ایران بهتر شنیده خواهد شد و طرف‌های دیگر برجام، بهتر با ایران همکاری خواهند کرد.
- ✓ احتمال نقض برجام و برهم خوردن آن، یکی از موانع همکاری بانک‌های بزرگ و مؤسسات مالی با کشورمان و همچنین سرمایه‌گذاری در ایران است؛ در چنین شرایطی، باید توجه داشت ناخواسته در راستای ضربه‌زدن به خودمان پیش‌نرویم و به عبارت دیگر واکنش ایران به اقدامات طرف مقابل نباید به هراس از نقض برجام دامن بزند.
- ✓ اولویت ایران در واکنش به نقض برجام باید عمل بر اساس مکانیزم‌های طراحی شده در این توافق باشد. با این کار، مشروعیت اقدام متقابل ایران افزایش می‌یابد و امکان اجماع علیه کشورمان کاهش خواهد یافت.



## توافق اوپک برای کاهش تولید

### نفت: دستاوردها و ابهامات

توافق وزرای نفت کشورهای عضو اوپک بر سر کاهش تولید نفت خام از رویدادهای مهم در ماه اخیر است که برای دولت ایران و بالاخص دیپلماسی نفتی آن یک دستاورد بزرگ به حساب می‌آید. اهمیت این توافق به نحوی بوده که برخی از آن به عنوان برجام نفتی برای ایران یاد کرده‌اند.

- ✓ طبق توافق، در حالی که سهمیه تولید عربستان با کاهش ۴۸۶ هزار بشکه‌ای به رقم ۱۰ میلیون و ۵۸ هزار بشکه در روز تنزل می‌یابد، سهمیه تولید ایران با افزایش ۹۰ هزار بشکه‌ای به ۳ میلیون و ۷۹۷ هزار بشکه در روز افزایش می‌یابد.
- ✓ ایران زمانی حاضر شد برای تولید خود سقف معینی تعریف کرده و با اوپک همکاری کند که تولید نفتش به سطح نسبتاً مطلوب خود رسید. در سال ۱۳۹۵، ایران موفق شد میزان تولیدش را به فراتر از مرز ۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.
- ✓ رفتار برخی اعضای اوپک در گذشته نشان داده که آنها ضرورتاً در چارچوب توافق‌هایی که روی کاغذ آمده، عمل نمی‌کنند.
- ✓ توافق اوپک از این حیث که دست ایران در تولید بیشتر نفت را تا حدی محدود خواهد کرد، ممکن است از سوی برخی مورد انتقاد قرار گیرد، اما در صورت اجرایی شدن، محاسن آن بیشتر از محدودیت‌هایش خواهد بود.
- ✓ توافق نفتی، برای بسیاری ناظران تداعی‌کننده توافق هسته‌ای بود. در هر دو، ایران با سرسختی و اصرار بر حقانیت خویش طرف مقابل را به عقب‌نشینی یا تعدیل مواضع واداشت. توافق نفتی مثل توافق هسته‌ای نفوذ و توانمندی دیپلماتیک ایران را به نمایش گذاشت.
- ✓ به نظر می‌رسد نحوه تعامل ایران و عربستان، طی ماه‌های آتی تأثیر زیادی بر سرنوشت توافق بر جا خواهد گذاشت. هرچه دو طرف برای پیشبرد سیاست عادی‌سازی روابط اراده جدی‌تری نشان دهند، ماندگاری توافق اوپک نیز از تضمین محکم‌تری برخوردار خواهد بود.
- ✓ اعضای اوپک ضمن اینکه لازم است برای جلب همکاری هرچه بیشتر غیرعضوها تلاش کنند، باید سازوکار مؤثرتری برای حفظ کارایی در صورت بروز تنش‌های سیاسی احتمالی بین تولیدکنندگان داشته باشند. در غیر این صورت، نفت نه تنها عامل همگرایی نخواهد بود، بلکه ممکن است به صورت سلاح سیاسی کشورهای تولیدکننده علیه همدیگر مورد استفاده قرار گیرد.

## راهبرد پسابرگزیتی انگلیس و پیامدهای آن برای منطقه و ایران

سفر ترزا می نخست وزیر انگلیس در روز چهارشنبه ۱۷ آذر ۹۵ و بازدید وی از پایگاه نظامی دریایی «جفیر» در بحرین و همچنین شرکت وی در سی و هفتمین نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نشان می‌دهد که بریتانیا در حال تدوین راهبرد پسابرگزیتی خود در قبال غرب آسیاست.

- ✓ نخست وزیر انگلیس در چندین نوبت و به بیان‌های مختلف به صراحت عنوان کرد که ایران تهدیدی برای کل منطقه است و از آمادگی کشورش برای همکاری با اعضای شورای همکاری خلیج فارس به منظور عقب‌راندن آنچه اقدامات تهاجمی ایران در منطقه خواند، سخن گفت که منجر به تنش کلامی بین تهران و لندن شد.
- ✓ بازگشت مجدد به خلیج فارس، کسب منافع اقتصادی و تجاری، کنترل سیاسی و نظامی بر منطقه با سه هدف عمده امنیت اسرائیل، امنیت انرژی و کنترل و مهار نقش و نفوذ ایران در منطقه، اتحاد راهبردی با کشورهای عربی خلیج فارس و افزایش نفوذ بین‌المللی انگلیس را می‌توان مهمترین محورهای سیاست پسابرگزیتی انگلیس در غرب آسیا دانست.
- ✓ خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، انفعال بی‌سابقه آمریکا در غرب آسیا و انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری این کشور و همچنین روند تحولات تاکتیکی و راهبردی بحران‌های منطقه را می‌توان مهمترین عللی دانست که بریتانیا را به سمت اتخاذ راهبردی جدید در غرب آسیا سوق داده است.
- ✓ به عنوان مهمترین پیامدها برای ایران و منطقه باید گفت که حضور نظامی انگلیس به میلیتاریزه شدن منطقه، دورتر شدن از دستیابی به سازوکار امنیت بومی در منطقه، ناامنی و رشد بیشتر گروه‌های تروریستی، افزایش تنش‌های مذهبی و قومی، کندتر شدن روند توسعه کشورهای منطقه و نیز روند دموکراسی‌سازی و توسعه انسانی در منطقه منجر خواهد داشت.
- ✓ محور اساسی سیاست پسابرگزیتی انگلیس در غرب آسیا نه مبتنی بر دادن سواری مجانی برای تأمین امنیت هم‌پیمانان منطقه‌ای خود بلکه برعکس، گرفتن سواری مجانی از این کشورها از طریق تسخیر فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری آنها، فروش تسلیحات بیشتر و ایجاد پایگاه‌هایی برای تضمین امنیت سرمایه‌گذاری در این منطقه در قبال دادن قول‌هایی بدون پشتوانه برای تأمین امنیت این کشورهاست. پیشبرد این سیاست نیازمند توجهاتی همچون هراس از پیش موجود کشورهای حوزه خلیج فارس از قدرت منطقه‌ای ایران و لفاظی درباره تهدید ایران از سوی انگلیس برای این کشورها و منطقه است.



## ترکیه: تحولات شتابان و چشم انداز آینده

ترکیه در عرصه داخلی با مبارزه بی‌امان با جماعت فتح‌الله گولن، تعقیب سیاستمداران عضو حزب دمکراسی خلق‌ها و مبارزه مستمر با عناصر پ.ک.ک، در کنار طرح رفراندوم تغییر قانون اساسی و سیستم سیاسی مواجه است و در عرصه بین‌المللی هم بهبود سریع روابط با روسیه و به موازات آن حضور جدی در پیمان شانگهای، اجرای عملیات موسوم به سپر فرات در داخل خاک سوریه و تنش‌های متعدد با اتحادیه اروپا و کشورهای چاک آلمان و آمریکا، در جریان است؛ تحولاتی که ارزیابی‌ها از آینده این کشور را دشوار کرده است.

- ✓ با آن‌که در زمان وقوع کودتا، دیدگاه‌های مختلف و متعارض در باب ماهیت آن وجود داشت، اما اینک عموم تحلیل‌گران در داخل ترکیه قانع شده‌اند که کودتای مزبور واقعی و تحت‌اداره نیروهای نظامی نزدیک به جماعت فتح‌الله گولن (یا به تعبیر اعضای جماعت «جنبش خدمت») بوده است.
- ✓ حکومت از وضع فوق‌العاده برای مبارزه با نهادها، افراد و سازمان‌هایی که تصور می‌رود با پ.ک.ک مرتبط باشند، استفاده کرده است.
- ✓ مسئله بازداشت شهرداران و عزل آنها انتقادات متعددی را برانگیخته و استدلال شده است که افراد منتخب مردم باید با رأی مردم کنار بروند و نه به دست دولت. مقامات ترکیه و شخص بن علی ییلدیریم و اردوغان در مقابل گفته‌اند که انتخاب‌شدن با رأی مردم، مجوز کمک به تروریسم یا همکاری با تروریسم نمی‌شود.
- ✓ حکومت با مصوبه‌های در حکم قانون، شهرداران بسیاری از شهرهای کردنشین را عزل کرده و اغلب فرمانداران را به جای آنان به صورت «قیم» منصوب کرده است. بسیاری از افرادی که حامی پ.ک.ک تصور می‌شدند از ادارات دولتی و بالاخص آموزش و پرورش اخراج شده‌اند.
- ✓ حزب جمهوری خواه خلق و ه.د.پ بر سابقه سیستم پارلمانی در ترکیه و محاسن آن در مهار قدرت انگشت می‌گذارند و ابراز نگرانی می‌کنند که با استقرار سیستم ریاستی، اردوغان به قدرت غیر قابل‌کنترلی مبدل شود.
- ✓ حزب حرکت ملی که دغدغه‌های ملی و ناسیونالیستی‌اش مشهور است، پیشگام شده است تا به قول رهبرش-دولت باغچه‌لی-به وضع دوفاکتوی فعلی، صورت حقوقی و قانونی داده و آن را دوزوره کند.
- ✓ اتحادیه اروپا پس از برگزیت و رأی منفی به قانون اساسی جدید ایتالیا، دیگر جذابیت سابق را ندارد و در ترکیه میزان طرفداران آن به پایین‌ترین حد رسیده است.
- ✓ حضور ترکیه در پیمان شانگهای و تصدی ریاست کلپ انرژی این اتحادیه-به‌رغم عدم عضویت در آن- که بی‌شک با چراغ سبز و هدایت روسیه صورت گرفته است، از منظر ترکیه آلترناتیوی برای اتحادیه اروپا محسوب نمی‌شود. زیرا هم این اتحادیه از ترکیه دور است و هم مجموعه ارزش‌های آن با جهت‌گیری یک قرن اخیر این کشور در تضاد است.
- ✓ آمریکایی‌ها در مناطق تحت کنترل پ.ی.د، پایگاه‌ها و فرودگاه‌هایی تأسیس کرده و تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار آنها گذاشته‌اند. این امر خشم مقامات ترکیه را برانگیخته است زیرا به عقیده آنان، همین سلاح‌ها سر از ترکیه در آورده و در دست اعضای پ.ک.ک قرار گرفته است.

✓ ترکیه نگران تغییر بافت قومی و جمعیتی منطقه و از آن مهم‌تر، استقرار مخالفان کرد در منطقه سنجان است. ادعا می‌شود که تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از اعضای پ.ک.ک، در این نواحی ایزدی‌نشین مستقر شده و حتی نیروهای محلی نزدیک به خودشان را هم ایجاد کرده‌اند. این نکته مورد انتقاد حکومت اقلیم کردستان هم بوده است.



## تحولات سوریه و اقدامات

### داعش

سرانجام پس از چهار سال، نبرد حلب با پیروزی نیروهای دولتی سوریه به پایان رسید. مخالفان که در بخش شرقی شهر محاصره شده بودند، چاره‌ای جز تسلیم یا نبرد تا پای مرگ نیافتند. کنترل مجدد بر حلب به صورت کامل، نه فقط بزرگترین پیروزی برای بشار اسد از آغاز جنگ داخلی، که بزرگترین شکست برای مخالفان او هم هست که باید شکست نظامی مزبور را در کنار بی‌اعتباری سیاسی-نظامی در میان هواداران داخلی و خارجی خود و پریشانی بیشتر در صفوفشان، بر خود هموار کنند.

- ✓ مقاومت نیروهای دولتی، سیاست خاص کردها در این نبرد، اختلافات درونی آنها و البته ناتوانیشان از پایداری در برابر ضدحملات نیروهای دولتی، به شکست نهایی مخالفان در نبرد حلب منتهی شد.
- ✓ اراده جدی روسیه برای فتح حلب از دو طریق تضمین سیاسی (در شورای امنیت با کاربرد حق وتو) و حمایت نظامی (استقرار گسترده پدافند هوایی و اخطار جدی در خصوص دخالت دولت‌های خارجی) مانع از آن شد تا دخالت خارجی سرنوشت عملیات حلب را تغییر دهد.
- ✓ تاکتیک نظامی به کار برده شده در خصوص حلب، همان تاکتیکی بود که پیش‌تر موفقیت خود را در داریا و معظیمه اثبات کرده بود و در مورد غوطه شرقی و حومه شمالی حمص هم اجرا خواهد شد. بر این اساس با محاصره‌ای پایدار، مخالفان نیرو و مهمات خود را از دست می‌دهند و زمانی که ضعف آنان به مرحله مناسب رسید، هجوم نهایی انجام می‌شود.
- ✓ داعش پس از تصرف حویسیس و میدین گازی و نفتی پیرامون آن، تدمر را ظرف دو روز تصرف کرد؛ به سوی غرب یعنی قریتین پیش تاخت و شهر تياس و فرودگاه تی ۴ را زیر ضربه مستقیم و در خطر سقوط قرار داده است.
- ✓ مطابق با داده‌های میدانی، داعش در درگیری‌های اخیر تدمر و پیرامون آن، ۴۴ فروند تانک، هفت نفر بر بی ام پی ۱، هفت قبضه توپ ۱۲۲، ۱۴ وانت مسلح به تیربار ۲۳ و نیز تعداد نامشخصی زره‌پوش شیلیکا (ضدهوایی ۲۳)، راکت‌انداز گراد، موشک ضدتانک و حجم نامشخصی مهمات سبک و سنگین به دست آورده است.
- ✓ در لیبی، عاقبت از پی چند ماه محاصره یک مجتمع ساختمانی در شهر سرت، نیروهای داعش پاکسازی شدند. در میان افرادی که در این مجتمع دستگیر شدند، «ترکی بنعلی» قرار دارد؛ مفتی بحرینی جوان و نامدار داعش که زعامت ایدئولوژیک و فقهی گروه را بر عهده داشت.
- ✓ محاصره بخش غربی موصل توسط نیروهای حشدالشعبی، سبب شده است که داعش راه گریزی از شهر نداشته و با تمام توان به دفاع پردازد. داعش با کاربرد گسترده کمین علیه نیروهای دولتی عراق و استفاده وسیع از خودروهای زرهی انتحاری، صدمات سنگینی به نیروهای دولتی وارد کرده است.
- ✓ اسرائیل با استقرار نیروهای حزب‌الله یا نیروهای دیگر وابسته به ایران در طول خطوط مرزی با جولان اشغالی مخالف است. ادعا شده سه حمله هوایی اسرائیل در ماه گذشته علیه مناطق مجاور این منطقه که شدیدترین آن حمله به پایگاه هوایی نظامی «مزه» در جنوب غربی دمشق بود، با هدف انهدام تجهیزات نظامی مهیاشده برای عملیات علیه درعا صورت گرفته است.
- ✓ وحشت مخالفان از سیاست ترامپ در قبال سوریه، یعنی رهاکردن کامل سوریه موجب شده تا برخی حامیانشان مانند قطر اعلام کنند حتی اگر آمریکا حمایت خود را متوقف کند، آنها به مخالفان اسد یاری بیشتری خواهند کرد.
- ✓ اردن مسیر تسلیح مخالفان را بسته و ممکن است ترکیه هم دست به اقدام مشابهی بزند. با این حال، تصور پیروزی برق‌آسا در سوریه چندان جدی نیست. مخالفان هنوز آن میزان نیروی انسانی و تجهیزات نظامی دارند که بتوانند تا مدتی قابل توجه مقاومتی مؤثر در برابر حملات نیروهای دولتی صورت دهند.
- ✓ سیاست ضدایرانی برخی اعضای آینده دولت ایالات متحده از یک سو و کوشش‌های اسرائیل برای ممانعت از پیروزی ایران و حزب‌الله در سوریه، دو خطر عمده‌ای است که هم عملیات نظامی تحت سرپرستی ایران در سوریه و هم شراکت راهبردی میان تهران و مسکو را تهدید می‌کند.



## روندها و رخدادهای سیاسی مؤثر

### در بحران یمن

طولانی شدن حملات نظامی ائتلاف بین‌المللی به محوریت عربستان سعودی و امارات متحده عربی به یمن و بی‌نتیجه‌بودن این حملات، انتقادات مجامع جهانی و حتی متحدان غربی این کشورها را در پی داشته است.

- ✓ به دلیل عدم همراهی قبایل، شهروندان و نخبگان سیاسی عمدتاً چپ‌گرای جنوبی با منصور هادی و عربستان، دولت مستقر در عدن جنبه نمادین دارد و غالب مقامات آن در ریاض مستقرند و از آنجا فرایند رویارویی با ارتش تحت کنترل صالح و شبه‌نظامیان هوادار انصار الله را مدیریت می‌کنند.
- ✓ عربستان امیدوار بود با محاصره یمن و بمباران گسترده مناطق که در بسیاری از موارد تلفات انسانی بسیار بالایی داشت، جامعه یمن را وادار کند تا با فشار بر حوثی‌ها و هواداران صالح، آن‌ها را برای پذیرش شرایط عربستان و منصور هادی مهیا کنند اما مدیریت روانی و رسانه‌ای ماهرانه انصار الله و حزب کنگره مردمی مانع تحقق این هدف سعودی‌ها و هادی شد.
- ✓ صالح با آگاهی از بی‌تجربگی انصار الله و شرایط نامناسب یمن، خود را به سوی ائتلاف با انصار الله سوق داد. در شرایط فعلی مقبولیت نسبی انصار الله در مناطق شمالی به همراه نفوذ صالح در ارتش، رمز ماندگاری این دو نیرو بوده است. با این حال به نظر می‌رسد در این ائتلاف پیروز نهایی صالح است. صالح از طریق هم‌پیمانی با انصار الله به بازسازی وجهه نامناسب خود در اذهان عمومی پرداخت و با ایستادگی در کنار انصار الله خود را پرچم‌دار مقابله با تجاوز خارجی سعودی‌ها معرفی کرد.
- ✓ صالح با استفاده از ذکاوت سیاسی و دستگاه تبلیغاتی مؤثر خود این واقعه را به شهروندان یمنی القا می‌کند که سرسخت‌ترین دشمن سابقش یعنی انصار الله نیز اکنون معترف است که صالح بهترین گزینه برای مدیریت و تصمیم‌گیری درباره آینده کشور است.
- ✓ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و نتیجه غیرقابل‌تصور آن برای اعراب به ویژه عربستان سبب شده است سعودی‌ها حداقل تا پس از روی کار آمدن ترامپ و نهایی شدن انتقال قدرت در آمریکا از اتخاذ تصمیم راهبردی درباره یمن اجتناب کنند.
- ✓ با توجه به عدم تحقق آرمان‌های انقلاب و انحراف در آن، بی‌تجربگی انصار الله و قدرت یافتن تدریجی صالح این امکان وجود دارد که دیکتاتور سابق بتواند از طریق مذاکره با اعراب یا قدرت‌های بزرگ نفوذ گذشته خود را بازیابد.
- ✓ حضور نظامی انصار الله در پایتخت اگرچه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید اما این امری نیست که بتواند برای مدتی طولانی تداوم داشته باشد و تداوم چنین روندی علاوه بر بدبینی جامعه جهانی، مانع از گفتگوی مؤثر ملی برای آغاز شرایط گذار سیاسی خواهد بود.



## نشست ماه: چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا

نخستین کنفرانس امنیتی تهران در ۲۱ آذر ۱۳۹۵ به همت ۱۲ مرکز مطالعات راهبردی ایران از جمله پژوهشکده مطالعات راهبردی در سالن اجلاس سران برگزار شد. در پنل سه، اندیشمندان و صاحب‌نظران مطالعات منطقه با ارائه هشت مقاله برگزیده «چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و تأثیر مسایل نوظهور بر نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا» را مورد بحث بررسی قرار دادند.

- ✓ در سطح منطقه‌ای رژیم صهیونیستی از تضعیف دولت‌های ملی خرسند است و آن را در راستای منافع ملی خود می‌داند. روند ناسیونالیسم در جهان عرب نه آنقدر قوی است که موجب شکل‌گیری خلافت عربی شود و نه دولت‌های ملی موجود از کارآمدی لازم برخوردارند.
- ✓ دولت‌های ملی در منطقه غرب آسیا عملاً با دو چالش مهم مخالف دولت ملی روبه‌رو هستند که وضع موجود را به چالش می‌کشند: چالش نخست جریان قومی است که به صورت جریان فروملی؛ دولت‌های ملی، مرزها و نمادهای آن را به چالش می‌کشد. چالش دوم یک روند فراملی است و دولت‌های ملی و مرزهای آن را با دو خاستگاه متفاوت مذهبی و تاریخی به چالش می‌کشد و خواستار شکل‌گیری ساخت‌های سیاسی جدید در قالب خلافت اسلامی یا امپراتوری‌های تاریخی است.
- ✓ دولت‌های استبدادزده و ناکارآمد و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا در دو دهه گذشته موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و افراطی در منطقه شده است.
- ✓ به‌رغم این که در چند سال گذشته در اثر شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در منطقه الگوی رقابت/همکاری در منطقه به سمت شفافیت بیشتری رفته است و چند بلوک مشخص در مخالفت و حمایت از آنها در منطقه به وجود آمده است، اما الگوی دوستی و دشمنی در این منطقه همچنان بسیار پیچیده است و حمایت از یک طرف منازعه ممکن است به تضعیف متحدان خود و تقویت رقبا و دشمنان در جای دیگر بیانجامد.
- ✓ ایجاد یک جامعه الگو و معیار در ایران می‌تواند منزلت و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تقویت نموده و زمینه‌ای برای همکاری کشورهای منطقه در حوزه حقوق بشر در قبال قدرت‌های فرامنطقه‌ای فراهم آورد.
- ✓ اجتماعی کردن تهدیدات زیست‌محیطی نخستین گام برای مقابله با این نوع تهدیدات است. بدون افزایش حساسیت مردم، کنش‌گران اجتماعی و دولت‌ها به این موضوع نمی‌توان آن را به دستورکاری برای دولت‌ها تبدیل کرد.

## نگاه دیگران:

# مینیمالیسم پر خاشگرانه: دولت ترامپ و منطقه خاورمیانه

این که دولت ترامپ نسبت به منطقه خاورمیانه چه سیاستی را اتخاذ خواهد کرد، همچنان ذهن تحلیل‌گران را به خود مشغول کرده است. استدلال نوشتار حاضر این است که با وجود عدم قطعیتی که در رویکرد ترامپ نسبت به منطقه وجود دارد، اما عواملی مانند محدودیت‌های ساختاری منطقه خاورمیانه، باعث خواهند شد که اعمال سیاست‌های مورد نظر وی، با چالش‌هایی روبه‌رو شوند.

- ✓ نوشتار حاضر برگرفته از مقاله مارک لینچ، استاد علوم سیاسی در دانشگاه جرج واشینگتن است که در مجله واشینگتن به چاپ رسیده است. وی معتقد است، انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور بعدی آمریکا، تردید زیادی درباره تداوم سیاست این کشور در سراسر جهان به وجود آورده است.
- ✓ رویکرد ترامپ، به ویژه در مورد مسائل مربوط به اسلام، قبل از رویارویی وی با واقعیت، می‌تواند خسران زیادی در اولین روزهای دولتش به بار آورد. اما ترامپ نیز مانند پیشینیان خود، که جاه‌طلبی‌هایشان به دلیل مواجهه با واقعیت‌های ساختاری منطقه با شکست مواجه شد، مشکلات مشابهی در تغییر نقش آمریکا در منطقه خواهد داشت.
- ✓ لینچ استدلال می‌کند که در سطح منطقه‌ای، تعادل ساختاری قدرت نامشخص‌تر شده است. ورود روسیه به جنگ سوریه و دیگر صحنه‌ها، آن را به رقیب هم‌شان آمریکا تبدیل نکرده، اما گزینه‌هایی را برای سیاست اتحاد معرفی کرده که قبلاً وجود نداشتند.
- ✓ مخالفت نخبگان سیاسی سنتی، شامل برخی نخبگان سیاست خارجی جمهوری خواه با اندیشه‌های ترامپ، لابی‌ها و انتظارات سیاسی، موجب حفظ سیاست آمریکا در خاورمیانه خواهد شد.
- ✓ آمریکا اطمینان از جریان قابل پیش‌بینی نفت از خلیج فارس، با قیمت مناسب را به عنوان منافع ملی حیاتی خود دیده است. این امر نیازمند کنترل مستقیم نفت، یا این که آمریکا به طور مستقیم بخش قابل توجهی از آن را مصرف کند، نیست؛ بلکه وجود هر بازیگر دیگری، خواه تهدیدکننده جریان نفت و یا محافظ آن را نمی‌پذیرد.
- ✓ به نظر می‌رسد که ترامپ با اوباما در مورد تردید نسبت به عمل نظامی هم‌عقیده است. به ویژه مخالفت وی با مداخله در سوریه و کمک به شورشیانی که وی آن‌ها را به عنوان جهادگر در نظر می‌گیرد، به شک گرایایی اوباما نزدیک‌تر است.
- ✓ ترامپ ممکن است رویکرد اوباما در مورد به حداقل رساندن مداخله آمریکا در منطقه را تغییر جهت دهد و تشدید کند. وی ممکن است، در حالی که به حملات با هواپیماهای بدون سرنشین و حمایت نظامی علیه اهداف اسلام‌گرا ادامه می‌دهد، نیروهای نظامی آمریکا را از سواحل منطقه دور کند.
- ✓ بعید است که ترامپ بخواهد سیاست‌های آمریکا را در رابطه با جنگ فاجعه‌بار عربستان در یمن تغییر دهد. این رویکرد مینیمالیست، که به ریاض اجازه می‌دهد جنگ‌های محلی بی‌فایده و مخرب، راه بیندازد و آمریکا از فروش مقادیر متناوبه سلاح برای حمایت از آن جنگ‌ها سود ببرد، برای ترامپ عالی به نظر می‌رسد.
- ✓ در عراق، ترامپ به سرعت با تناقضات ذاتی موضع آمریکا مواجه خواهد شد. مواضع تند وی نسبت به ایران مجبور است که با وابستگی آمریکا به ارتش عراق برای مبارزه بر ضد داعش و شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران تطبیق یابد.
- ✓ اظهارات دوره مبارزات انتخاباتی ترامپ هنوز درون یک استراتژی منطقی قرار نگرفته است و احتمالاً به زودی با تضادهای درونی مواجه خواهد شد.

